



بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران - 13 / تیر / 1390

بسم الله الرحمن الرحيم

روز پاسدار را به شما پاسداران عزیز و همه‌ی اعضای این خانواده‌ی بزرگ انقلابی تبریک عرض میکنیم. علاوه بر این، اعیادی که در طول این ماه مبارک، ما را به یاد افتخارات بزرگ می‌اندازند و خود ماه مبارک شعبان که ماه مغفرت است، ماه رحمت است، ماه توجه و تذکر و توسل است، در خور تبریک و تهنیت برای همه‌ی مؤمنان است. این ابتکار جالب که روزی به نام پاسدار را ارتباط بدهند با میلاد مسعود سیدالشهداء (سلام الله علیه)، یک ابتکار پرمغز و جهت‌دهی است. باید از کسانی که اول این فکر به ذهن آنها رسیده است و ما را متوجه به این معنا کردند، تشکر کرد؛ زیرا داعیه‌ی سپاه پاسداران، داعیه‌ی بزرگی است: پاسداری از انقلاب اسلامی، که حالا مختصری عرض خواهیم کرد.

این معنا - معنای پاسداری - با همه‌ی ابعاد آن، با همه‌ی ابزارها و وسائل ممکن، در وجود مقدس سیدالشهداء (سلام الله علیه) متجسد است؛ نه این که دیگران نکردند یا نخواستند بکنند، بلکه به این معنا که خانه‌ی پُر این حرکت در رفتار دوران ده‌ساله‌ی امامت سیدالشهداء (سلام الله علیه) تحقق پیدا کرده است. تمام راه‌هایی که میشود فرزند پیغمبر از آن راه‌ها استفاده کند برای حفظ میراث عظیم اسلام - که میراث جد او و پدر او و پیروان راستین آنهاست - در زندگی سیدالشهداء محسوس است؛ از تبیین و انذار، از تحریک تبلیغاتی، از بیدار کردن و حساس کردن وجدانهای عناصر خاص - همین خواص که ما تعبیر میکنیم - در آن خطبه‌ی منا، اینها همه در طول زندگی سیدالشهداء است. بعد هم ایستادگی در مقابل یک انحراف بزرگ با قصد مجاهدت با جان؛ نه این که امام حسین از سرنوشت این حرکت بی‌اطلاع بود؛ نه، اینها امام بودند. مسئله‌ی معرفت امام و علم امام و آگاهی وسیع امام بالاتر از این حرفهائی است که ماها در ذهنمان می‌کنجد؛ بلکه به معنای ترسیم یک دستورالعمل می‌ایستند، تسلیم نمیشود، مردم را به یاری می‌طلبید، بعد هم وقتی یک عده‌ای پیدا میشوند - که همان اهل کوفه باشند - و اظهار میکنند که حاضرند در کنار آن بزرگوار در این راه قدم بگذارند، حضرت درخواست آنها را اجابت میکند و به طرف آنها میرود؛ بعد هم در میانه‌ی راه پشیمان نمیشود. بیانات امام را که انسان نگاه میکند، می‌بیند حضرت عازم و جازم بوده است برای این که این کار را به پایان ببرد. این که در مقابله‌ی با حرکت انحرافی فوق‌العاده خطرناک آن روز، امام حسین (علیه الصلوة و السلام) می‌ایستند، این میشود یک درس، که خود آن بزرگوار هم همین را تکرار کردند؛ یعنی کار خودشان را به دستور اسلام مستند کردند: «ان رسول الله قال: من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحرمات الله ناكثاً لعهد الله مخالفاً لسنة رسول الله يعمل في عباد الله بالاثم والعدوان فلم يغيّر عليه بفعل ولا قول كان حقاً على الله ان يدخله مدخله»؛ (1) حضرت این را بیان کردند. یعنی من وظیفه‌ام این است، کاری که دارم انجام میدهم، بایستی ابراز مخالفت کنم، باید در جاده‌ی مخالفت و ایستادگی قدم بگذارم، سرنوشت هرچه شد، بشود؛ اگر سرنوشت پیروزی بود، چه بهتر؛ اگر شهادت بود، باز هم چه بهتر. یعنی اینجوری امام حسین (علیه السلام) حرکت کردند. این شد ایثار کامل و اسلام را هم حفظ کرد. همین حرکت، اسلام را حفظ کرد. همین حرکت موجب شد که ارزشها در جامعه پایدار بشوند، بمانند. اگر این خطر را نمی‌پذیرفت، حرکت نمی‌کرد، اقدام نمی‌کرد، خونس ریخته نمیشد، آن فجایع عظیم برای حرم پیغمبر، دختر امیرالمؤمنین و فرزندان خاندان پیغمبر پیش نمی‌آمد، این واقعه در تاریخ نمی‌ماند. این حادثه‌ای که میتوانست جلوی آن انحراف عظیم را بگیرد، باید به همان عظمت آن انحراف در ذهن جامعه و تاریخ، شوک ایجاد میکرد و کرد. این فداکاری امام حسین است.

البته به زبان هم گفتن اینها آسان است. کاری که امام حسین (علیه السلام) کردند، یک کار فوق‌العاده‌ای است. یعنی ابعاد آن از آنچه که ما امروز محاسبه میکنیم، خیلی بالاتر است. ما جوانبش را، ریزه‌کاری‌هایش را غالباً ندیده



میگیریم. من يك بار در يك صحبتی، صبر امام حسین (علیه السلام) را تشریح کردم. صبرش فقط این نبود که بر تشنگی صبر کند، بر کشته شدن یاران صبر کند؛ اینها صبر آسان است. صبر سخت‌تر این است که دیگران، افراد صاحب نفوذ، افراد آگاه، افراد محترم هی بگویند آقا نکنید، این کار غلط است، این کار خطرناک است. هی ایجاد تردید کنند. کی‌ها؟ افرادی مثل عبدالله جعفر، عبدالله زبیر، عبدالله عباس؛ این شخصیت‌های برجسته‌ی بزرگ آن روز دنیا، آقازاده‌های مهم اسلام، اینها هی بگویند نکن این کار را. هر که باشد، اگر چنانچه آن عزم و آن اراده و آن ثبات در او نباشد، با خودش فکر میکند که من دیگر تکلیفی ندارم، اینها که دارند اینجوری میگویند، دنیا هم که دارد آنجوری حرکت میکند، بگوئیم و بگذریم. آن که در مقابل این اظهارات، در واقع وسوسه‌ها، تردیدافکنی‌ها، راه شرعی درست کردن‌ها بایستد و دلش نلرزد و قدم در این راه بگذارد، او همان کسی است که میتواند این تحول عظیم را به وجود بیاورد. و امام بزرگوار ما در این جهت تشبّه کردند و اقتفاء کردند به سید و سالار شهیدان، که من يك وقتی گفتم و حالا نمیخواهیم وارد این مقوله بشویم؛ شرحش مفصل است. این پاسداری امام حسین است. سپاه در واقع با این نامگذاری، با لطافت میخواهد بگوید که من در این راه قدم میگذارم؛ خیلی خب مبارک است و خیلی بزرگ و مهم است، جا هم دارد. میشود آدم‌های عیجو و نکته‌بین و نکته‌سنج بیایند بگویند فلان جا این اشتباه بود، فلان جا غلط بود، فلان کس اینجوری رفتار کرد. بر همه‌ی جریانها و واحدها و آدمها و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی میشود ایراد گرفت؛ اما اگر منصفانه به حرکت سپاه پاسداران نگاه کنیم، از روز اول تا امروز، می‌بینیم انصافاً سپاه به قول خودش عمل کرده؛ حقاً و انصافاً سپاه در این راه ایستاده است. آدمها می‌آیند و میروند؛ اما آن هویت جمعی محفوظ میماند؛ یکسان است.

من در آخرین دیداری که با عزیزان سپاهی داشتم، يك نکته‌ای را عرض کردم که آن نکته مهم است؛ فقط اشاره‌ای میکنم و آن این است که گفتم نسل‌های متجدد سپاه، متبدل سپاه، نسل‌های آینده‌ی سپاه باید سعی کنند يك قدم جلوتر و بالاتر از نسل‌های گذشته بردارند. یعنی عالم رو به رشد است، رو به تکامل است؛ حرکت، حرکت تکاملی است، پس جا دارد اگر ما انتظار داشته باشیم، توقع داشته باشیم که جوان وارد شده‌ی در سپاه امروز، از لحاظ معرفت، بصیرت، آگاهی، فداکاری، آماده‌به‌کاری، درست کار انجام دادن، بجا کار انجام دادن، بهنگام کار انجام دادن - که اینها خصوصیات است که سپاه از خودش در طول این سالها نشان داده است - يك قدم سپاه را از نسل گذشته بالاتر ببرد. به سپاه امروز که انسان نگاه کند، ببیند که کیفیت بالاست. این ممکن هم هست؛ نگوئید چطور چنین چیزی ممکن است. نه، کاملاً ممکن است. یعنی شما نگاه کنید به شرایطی که آن روز بود: جنگی وجود داشت و حضور دشمن در خاک ما؛ چه قبل از جنگ تحمیلی هشت ساله، حضور ضد انقلاب مسلح، چه بعد هم که جنگ شروع شد، خود این يك عامل و انگیزه‌ی قوی‌ای بود که آدم‌های بی‌تفاوت را هم حرکت میداد و می‌آورد داخل آن صحنه‌ی عجیب و پرشور. امروز آن جنگ نیست؛ يك جنگ ظریف‌تری هست و البته خطرناک‌تری. آگاهی از اعماق این جنگ يك توانائی بیشتر و هوشمندی بیشتری را می‌طلبد. اگر ما دیدیم امروز کسانی وارد این میدان هستند و تلاش میکنند و مبارزه میکنند و با بصیرت در وسط میدان می‌ایستند، پس جا دارد که بگوئیم این از لحاظ انگیزه، از لحاظ عمل، کمتر از او نیست. اگر بهتر عمل کند، بهتر هم هست. در آینده هم همین جور میتواند باشد؛ همت را این باید قرار داد.

امروز من عرض میکنم هویت سپاه که هویت پاسداری است، به معنای يك مفهوم محافظه‌کارانه تلقی نشود. پاسداری یعنی نگه داشتن، حفظ کردن. این حفظ کردن را میتوان با يك تفسیر محافظه‌کارانه معنا کرد. یعنی بگوئیم وضع موجود انقلاب را حفظ کنیم؛ من این را نمیگویم. حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست. چرا؟ چون انقلاب در ذات خود يك حرکت پیشرونده است، آن هم پیشرفت پرشتاب. به کجا؟ به سمت هدفهای ترسیم شده. هدفها عوض نمیشوند. این اصول و ارزشهائی که بر روی آن بایستی ایستادگی کرد و برای آن جان داد، اصول و ارزشهائی هستند



که در اهداف، مشخص شده‌اند. هدف نهائی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پائین‌تر از آن، انسان‌سازی است؛ هدف پائین‌تر از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است با همه‌ی مشخصات و آثار، که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد. اینها اهداف هستند. این اهداف عوض‌شدنی نیستند؛ یعنی ما نمیتوانیم بیائیم مایه بگذاریم تا از هدف کم کنیم. بگوئیم خیلی خوب، یک روز میخواستیم عدالت برقرار کنیم، حالا میگوئیم عدالت که نمیشود، یک نیمه‌عدالتی برقرار کنیم! نه، عدالت. این، هدف است. توحید، استقرار شریعت اسلامی به طور کامل، اینها اهداف است، اینها تغییرپذیر نیست. لیکن در جهت حرکت به سمت این اهداف، سرعتها قابل کم و زیاد شدن است، شیوه‌ها قابل تغییر یافتن است، تدابیر ممکن است جورواجور باشد. در این جهت، انقلاب پیشرونده و پیش‌برنده است. حفظ انقلاب یعنی حفظ همین حالت پیشروندگی و پیش‌برندگی. پاسداری از انقلاب، به این معناست. اگر ما اینجور نگاه کردیم و مفهوم پاسداری را اینجور فهمیدیم، آن وقت آن طراوت و شور و هیجانی که در حرکت پاسداری هست، مضاعف خواهد شد.

جوان امروز اکتفا نمیکند به ظواهری که حالا در جامعه‌ی ما به هر حال تا حدود زیادی هست، بلکه اعماق را، مغزها را، سیرتها را مورد توجه قرار میدهد؛ دنبال آنها حرکت میکند. ایمانهای عمیق، آگاهی‌های بیشتر؛ اینها چیزهائی است که ما باید دنبالش باشیم. پس این پاسداری است به معنای صحیح، به معنای کامل، به معنای درست؛ پاسداری از حرکت انقلابی و پیشرفت انقلابی.

خب اگر بخواهیم این کار بشود، دو حرکت در سپاه باید انجام بگیرد: یک حرکت، حرکت درونی سپاه است؛ در درون خود، یعنی خود را تکامل ببخشد. یک حرکت، حرکت به معنای یک جزء پیش‌برنده‌ی مجموعه‌ی کل نظام و انقلاب است، یعنی تأثیرگذاری در بیرون. این دو تا حرکت به موازات هم باید پیش برود. اگر ما از آن حرکت اول غافل بودیم، در درون مجموعه‌ی سپاه و خانواده‌ی سپاه آن حرکت پیشرونده و ترقی‌بخش و تعالی‌بخش را انجام ندادیم، حرکت دوم، یعنی تأثیر سپاه در پیشبرد مجموعه‌ی انقلاب، ناکام خواهد ماند. دست و پائی هم اگر بزند، دست و پای غلطی خواهد بود؛ چون:

ذات نیافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی‌بخش

پس دو تا حرکت لازم است: آن حرکت درونی، همانی است که فرماندهی محترم سپاه، به ابعادی از آن اشاره کردند، که درست است؛ من تأیید میکنم، همین کارها باید انجام بگیرد. این حرکت درونی یک بعد مادی و یک بعد معنوی دارد. بعد معنوی همین پرداختن به ارزشها به معنای حقیقی کلمه، یعنی مشخص کردن شاخصهای ارزشی پاسداری و عرضه کردن خود و دیگران بر این شاخصها به قصد پیشرفت، به قصد صیورت صحیح و کامل به سمت آن هدفها است. این بعد معنوی‌اش است، بعد مادی‌اش هم همین کارهای خوبی است که در سپاه دارد انجام میگیرد؛ بعد تشکیلات، بعد علمی و تحقیقاتی، بعد ساخت و ساز و تولید، بعد آموزشهای نظامی و نظامیگری و از این قبیل. اینها همه باید در کنار هم انجام بگیرد. یک مجموعه‌ی زنده‌ی پرنشاط همیشه‌جوان که فرسودگی و پیری در آن راه ندارد، آن وقت از سپاه به وجود خواهد آمد که خوشبختانه امروز زمینه‌هایش آماده است، زیرساختهایش آماده است، تجربیاتش موجود است، انگیزه‌هایش بحمدالله هست. این میشود حرکت درونی. این مجموعه به عنوان یک مجموعه‌ی شاخص، یک خط‌الگوی روشن وجود خواهد داشت. ممکن است کسانی از جوانهای ما، از مردم ما وارد سپاه هم نشوند، اما این الگو را برای زندگی خودشان انتخاب کنند؛ الگوی معنویت درست، و الگوی فکر و تدبیر و راه درست و حرکت صحیح در زمینه‌های سازندگی.

بعد نوبت به تأثیر این حرکت در حرکت مجموعه‌ی انقلاب میرسد. این هم به خودی خود حاصل خواهد شد. وقتی یک مجموعه‌ی زنده، پرنشاط، باطراوت، پیشرونده، بشدت پایبند به مبانی و اصول و ارزشها در نظام وجود دارد و دارد



حرکت میکند و زنده است و همه جا را می‌بیند و آگاهی دارد و بصیرت دارد و تأثیر میگذارد، این قهر را در پیشبرد مجموعه اثر تعیین کننده خواهد داشت - البته این مخصوص سپاه هم نیست؛ من این حرف را عیناً برای حوزه‌های علمیه هم میگویم، برای نهادهای دولتی هم میگویم، منتها اندازه‌ها و وزن اینها با هم یکسان نیست؛ هر کدام جایگاهی دارند، وزنی دارند. حالا فعلاً درباره‌ی سپاه صحبت میکنیم - و ما به این حرکت سازنده و پیشرونده و متکامل احتیاج مبرم داریم. یعنی اسلام، امروز نیازمند به این حرکت است.

حرکت نظام جمهوری اسلامی اثر خودش را در دنیا بخشیده است، تأثیرات عمیقی گذاشته است، قدرتهای استکباری و شیطانی را تضعیف کرده است، راه‌های تازه‌ای در مقابل ملت‌ها باز کرده است. يك فصل تازه‌ای در دنیا شروع شده است، یعنی هرچه انسان نگاه میکند، دیگر نظیری برای آن نیست. البته بنده، هم در عمر خودم در دوره‌ی جوانی، هم در تاریخ، تحولات گوناگونی را که در جاهای گوناگون دنیا از جمله در منطقه‌ی ما اتفاق افتاده است، یا دیده‌ام یا خوانده‌ام. این انقلاب‌هایی که در کشورهای آفریقائی، آمریکای لاتین، انقلاب‌های چپ در دهه‌ی 60 میلادی - یعنی پنجاه سال قبل مثلاً - اتفاق افتاد، اینها را دیدیم؛ نه این که ندانیم که سابقه‌ی تاریخی این تحولات چیست و چه جوری است؛ نه، اینها را دیده‌ایم. اما این که امروز دارد اتفاق می‌افتد، بیسابقه است؛ این دیگر نظیر ندارد. در آن حوادثی که در دهه‌ی 60 میلادی پیش می‌آمد - چه در آفریقا، چه در آمریکای لاتین، چه در برخی از کشورهای آسیا - آنچه که اتفاق می‌افتاد، غلبه‌ی يك حزب و يك تشکیلات بود بر سرنوشت يك ملت؛ با يك گرایش مادی و مارکسیستی، که معنویت و خدا در آن وجود نداشت. میگفتند مردمی؛ اما مردمی بودنش به این بود که يك حزبی غالباً هم با کودتا می‌آمد سر کار. همین احزاب و رژیم‌های به اصطلاح انقلابی که در شمال آفریقا سر کار آمدند، همه‌شان با کودتا سر کار آمدند؛ مثل جمال عبدالناصر، مثل همین قذافی و دیگران. حرکت مردمی و انقلاب به معنای حقیقی نبود. آنچه امروز دارد اتفاق می‌افتد، حضور مردم است با نشان، با جان‌شان؛ اینها مردمند. ممکن است احزاب هم به معنای حضور داشته باشند یا تأثیر هم داشته باشند؛ اما آن که توی میدان است، يك مجموعه‌ی نظامی نیست، يك مجموعه‌ی کودتاگر نیست؛ مجموعه‌های مردمی‌اند، توده‌های مردمی‌اند، آن هم با گرایش توحیدی و خدائی و الهی؛ با الله اکبر، با نماز جماعت. حالا تبلیغات آمریکائی و صهیونیستی بگذار انکار کنند؛ خوب بکنند، واقعیت که با انکار آنها عوض نمیشود. واقعیت این است. این اصلاً سابقه ندارد. تا آنجائی که ما در دورانهای انقلابها دیده‌ایم و شنیده‌ایم و خوانده‌ایم، يك چنین چیزی با این فراگیری اصلاً سابقه ندارد. این يك چیز جدید است. یعنی واقعاً تاریخ منطقه و به تبع آن تاریخ دنیا ورق خورده است؛ يك فصل جدیدی آغاز شده. ما اینجا چه کاره‌ایم؟ من هیچ نمیخواهم ادعا کنم و بگویم انقلاب اسلامی همه‌کاره بود - حالا بعضی هم حساسند از این که گفته بشود منشأ این انقلابها، انقلاب اسلامی است - نه، اصلاً چنین ادعائی هم نمیکنیم، لازم هم نیست چنین ادعائی بکنیم؛ اما مسئله این است که امروز همان حرکتی که ما ملت ایران سی سال قبل، سی و دو سال قبل شروع کردیم، عیناً همان حرکت را با يك تفاوت‌های منطقه‌ای و بومی و جغرافیائی و تاریخی، در دنیای اسلام در چندین کشور داریم مشاهده میکنیم. و من عرض کردم موج بعدی این کار در مناطق خیلی دوردست‌تر هم وجود دارد و چنین چیزی پیش خواهد آمد، که این برای ما تشویق‌آمیز است، این برای ما مبشر است، مژده‌بخش است؛ نشان میدهد که ما امیدمان به آینده باید بیشتر باشد.

البته دشمن با همه‌ی توان روی همین نقطه دارد کار میکند. نمیخواهد این الگو جلوی چشم ملت‌های مسلمان گرفته بشود، بگویند ببینید ایران به کجا رسید. اما چه بخواهند، چه نخواهند؛ بیسندند، یا نپسندند، این اتفاق افتاده است. همین کارهای علمی و فنی و تحقیقاتی‌ای که شماها و سازمان‌های دیگر نیروهای مسلح دارند میکنند و آنچه که در خارج از کشورهای مسلح، در دانشگاه‌ها، در مراکز گوناگون تحقیقاتی، امروز دارد در کشور انجام میگیرد، اینها چیزهائی است که آینده‌ها را به طور دقیق تصویر و ترسیم میکند؛ یعنی مهره‌های آینده را، یکی یکی دارد میچیند.



اینهاست که معین میکند آینده مال کیست. این البته به برکت اسلام و روحیه‌ی انقلابی است، این روحیه را بایستی تقویت کرد. بنابراین، پاسداری از انقلاب را به این معنا بگیریم. به این معنای متحول، متطور، پیشرونده. یکی از چیزهایی هم که حالا در عرصه و در میدان لازم است به آن توجه کنیم، این است که: مراقب باشیم دستگاه‌های انقلاب سرشان گرم کارهای غیرمفید و احیاناً مضر در این حرکت پیشرونده نشود، که یکی از اینها، همین مسئله‌ی اختلافات است، که من اگر روی اینها تکیه میکنم، به خاطر این است. یک وقت هست که یک جریانی در مقابل انقلاب می‌آید قد علم میکند به قصد کوبیدن انقلاب، خب، وظیفه‌ی هر کسی است که دفاع کند. انقلاب از خودش دفاع میکند، مثل هر موجود زنده‌ی دیگری. انقلابی که نتواند در دوران فتنه، در دوران ایجاد کودتاهای گوناگون - سیاسی و نظامی و امثال اینها - از خودش دفاع کند، زنده نیست. این انقلاب زنده است؛ لذا از خودش دفاع میکند، غالب هم میشود، پیروز هم میشود، برو برگرد هم ندارد؛ کما اینکه در سال 88 دیدید این کار اتفاق افتاد. یک وقت این است قضیه، یک وقت نه، قضیه، قضیه‌ی ایستادگی در مقابل یک حرکت براندازانه و اینچنین نیست؛ اختلاف نظر، اختلاف سلیقه، اختلاف عقیده احیاناً است. اینها را بایستی هرچه ممکن است فرو کاست. اینجور چیزها را هرچه ممکن است باید کم کرد. مشتعل کردن این اختلاف نظرها مضر است. یک مسئله این است که اگر یک کسی یک حرف غلطی زد، آیا کسی باید به او جواب بدهد یا نه؟ خب، بله معلوم است. جواب دادن به حرف غلط، شیوه‌ی خودش را دارد، راه خودش را دارد، کار خاص خودش است. یک وقت هست که حالا که کسی یک حرف غلطی زد، ما بیائیم مثلاً صدجا این حرف غلط را تابلو کنیم، شعار کنیم که آقا، فلانی این حرف غلط را زد، تا همه بدانند. این است که اشتباه است، خطاست. من با حرکت روشنگرانه از سوی هر کسی، از سوی هر نهادی، هیچ مخالفتی ندارم، بلکه علاقه‌مندم و معتقدم به مسئله‌ی تبیین. یعنی اصلاً جزو راهبردهای اساسی کار ما از اول، مسئله‌ی تبیین بوده است. تبیین لازم است؛ اما این معنایش این نیست که ما به اختلافات درونی، هی دامن بزنیم. مراقب باشید. این را همه باید مراقب باشند؛ بخصوص سپاه. سپاه مراقب باشد. در جریانهای سیاسی، در جریانهای گوناگون فکری و سلیقه‌ای مطلقاً مشتعل کردن فضا مناسب نیست. حالا شماها الحمدالله همه‌تان بصیرید، آگاهید، لابد از جریانات خبر دارید و الان همین اوضاعی را که توی کشور هست، می‌بینید که متأسفانه این علیه آن، آن علیه این؛ و دستگاه‌های خارجی چه خوشحالی‌ای میکنند؛ تحلیل می‌گذارند رویش: بله، بینشان اختلاف افتاد، ناپود شدند، از بین رفتند (!) آرزوهای خودشان را هی مرتباً تکرار میکنند. خب، پیدا است که این مسئله نقطه‌ی ضعف ماست. نباید بگذاریم این نقطه ضعف ادامه پیدا کند یا افزایش پیدا کند. اینها را باید توجه داشت. حرکت، حرکت متین، مستدل و مستند باشد. اگر کسانی اختلاف‌نظرهایی دارند، با استدلال بیان کنند. عرض کردم، من معتقد به تبیین هستم. در دوران مبارزات هم، اختلاف ما با چپی‌ها و مارکسیست‌هایی که آن وقت مبارزه میکردند، سر همین بود که ما میگفتیم باید تبیین کرد، آنها به تبیین اعتقاد نداشتند؛ یک چیز دیگری میگفتند، یک تفسیر دیگری داشتند. کار انقلاب از اساس با تبیین، روشنگری، بیان منطقی، مستدل و دور از هو و جنجال بود. اگر هو و جنجال وارد شد، حرف منطقی را هم خراب خواهد کرد. ممکن است چهار نفر جذب شوند، اما چهار نفر آدم هوشمندتر دفع میشوند. این، حرف ماست؛ این، عرض ماست.

حرکت، حرکت پیشرونده باشد. به خیلی چیزها نیاز هست. من اینجا یادداشت کردم؛ از جمله صف واحد بودن، که همین مسئله‌ی وحدتی است که عرض کردیم. «ان الله يحبّ الذین یقاتلون فی سبیلہ صفا کاتهم بنیان مرصوص»؛ (2) مثل یک ستون مستحکم، مثل یک دیوار حصین و نفوذناپذیر در مقابل تهاجم دشمن بایستی ایستاد.

حالا شما جوانهای عزیز که در سپاه هستید؛ روحانیون عزیز، علما، طلاب جوان و مؤمن و فعال که در دفتر نمایندگی مشغول به کار هستید، دو چیز را بدانید: یکی این که همه‌تان خیلی کار دارید؛ هم جوانهای سپاهی، هم روحانیون محترم؛ خیلی کار جوتان دارید که باید انجام بدهید. دوم این که بدانید که همت اگر بکنید، این کارها را حتماً



میتوانید انجام بدهید و يك برهه‌ای از زمان که بگذرد، ناگهان می‌بینید در يك نقطه‌ی بالاتری قرار دارید ؛ یعنی پیشروندگی حتمی است. تلاش که بود، همت که بود، امید که بود، حتماً پیشروندگی هست ؛ یعنی برو برگرد ندارد. این را بایستی مجموعه‌ی سپاه در نظر داشته باشند. البته برنامه‌ریزی‌های گوناگون در صدر تشکیلات سپاه يك امر لازم و دائمی و همیشگی است که بایستی انجام بگیرد، دارد هم انجام می‌گیرد و خوب هم هست. و امیدواریم ان شاءالله خدای متعال کمکتان کند. امروز همین مقدار بس است. امیدواریم خداوند شماها را مشمول لطف خودش قرار بدهد.

این را هم به مسئولین محترم سپاه، چون حالا اغلب اینجا هستید، عرض کنم، که یکی از کارهای خیلی لازم که من الان به آقای سردار فرماندهی کل سپاه هم این را تذکر دادم، این است که به خانواده‌های شهیدایتان رسیدگی کنید. رسیدگی هم مهمترینش و بهترینش عبارت است از تلافی و احوالپرسی و خبرگیری ؛ همه‌اش کمک نیست، خیلی‌ها هم به کمک احتیاج ندارند ؛ اما به محبت و ملامت و همراهی و همدلی، همه احتیاج دارند ؛ از بالا تا پائین همه دوست میدارند که مورد ملامت قرار بگیرند. بعضی از شهدای سرافراز ما بحمدالله شهرت همگانی دارند، همه اینها را میشناسند ؛ خیلی‌ها هم هستند که نه، پیش اهل آسمانها البته مشهورند ؛ آنها را ملائکه‌ی خدا خوب میشناسند ؛ اما در بین ماها، شاید خیلی معروف نیستند ؛ به اینها بپردازید، سراغ اینها بروید و امیدواریم ان شاءالله دوستان يك عملکرد منسجم و مدونی در این زمینه پیش‌بینی کنند.

امیدواریم خداوند شماها را محفوظ بدارد، باقی بدارد و مشمول ادعیه‌ی ولی عصر (ارواحنا فداه) باشید و روح مطهر امام بزرگوار و روح مطهر شهدا از همه‌ی شما و ما راضی باشد.
والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

(1) مقتل ابی‌مخنف، ص 85

(2) صف: 4